



مرکز بین المللی مطالعات اسلامی  
مركز آموزش های غیر حضوری

منطق

# دروس فی علم المنطق

علامه محمد رضا المظفر قدس سره

(سطح ۲)

## درس 5

یقینیات (۴)



مرکز پدید آوری حوزه های علمی غیردانشگاهی  
مرکز آموزش های غیرحضوری

---

### شناسنامه درس

---

- عنوان کلی درس: منطق
- منبع درس: محمد رضا المظفر، دروس فی علم المنطق، تحقیق: محمود منتظری مقدم، نشر هاجر
- مبحث: یقینیات (۴)
- شماره درس: 5
- مقطع تحصیلی: سطح ۲
- آموزش شیار: عبدالرضا بختیاروند
- ناظر تولید: اداره تولید محتوا
- ارزیاب ساختار و محتوا:
- ویراستار:
- صفحه آرا:
- نوبت تولید: پیش تولید / تابستان ۹۴



## فهرست

..... ۴	(۱) مقدمه
..... ۵	(۱) متن عربی
..... ۶	(۱) شرح درس
..... ۶	(۲) متواترات
..... ۶	(۳) تعریف متواترات
..... ۶	(۳) شرایط حصول یقین در متواترات
..... ۷	(۳) چند مثال برای متواترات
..... ۸	(۳) تعداد معتبر در تحقق متواترات
..... ۸	(۲) حدسیات
..... ۸	(۳) تعریف حدسیات
..... ۸	(۳) مراتب حدس
..... ۸	(۳) چند مثال منطقی
..... ۹	(۳) شباهت‌ها و تفاوت حدسیات و مجربات
..... ۱۲	(۱) نمودار بندی
..... ۱۳	(۱) ترجمه درس
..... ۱۶	(۱) چکیده
..... ۱۷	(۱) آزمون
..... ۱۸	(۱) دانش‌افزایی
..... ۱۸	(۲) ۱. قیاس خفی در متواترات
..... ۱۸	(۲) ۲. نظر شهید صدر درباره یقین در متواترات
..... ۱۸	(۲) ۳. عوامل اثرگذار در یقین در متواترات
..... ۱۹	(۲) ۴. تفاوت دیگری برای مجربات و حدسیات
..... ۱۹	(۲) ۵. مقایسه حدسیات، تجربیات و متواترات با اولیات و مشاهدات و فطریات
..... ۱۹	(۲) ۶. مراد از حدس منطقی و تفاوت آن با فکر
..... ۲۱	(۱) پژوهش و تمرین
..... ۲۲	(۱) دانش‌نامه
..... ۲۳	(۱) منابع

## مقدمه

دو قسم دیگر از یقینیات بدیهی شش‌گانه، متواترات و حدسیات هستند.

در بین اخباری که در بین افراد جوامع بشری منتشر و فراگیر شده است، اخباری وجود دارد که نفس بشری بدون هیچ تردیدی صحت آنها را پذیرفته و نسبت به درستی آنها آرامش خاطر دارد. این آرامش نفس به خاطر آن است که انسان در مورد این اخبار نمی‌تواند بپذیرد که همهٔ کسانی که چنین چیزهایی را نقل کرده‌اند، تبانی و توافقی بر انتشار یک خبر دروغ داشته‌اند و یا همگان در فهم آن اشتباه کرده‌اند. اخباری مانند زندگی پیامبرانی چون موسی، عیسی و دیگر انبیا بزرگ (علیهم السلام) در میان مردم، یا نزول قرآن و یا خبر برخی جنگ‌های جهانی چون جنگ اول جهانی اخباری نیستند که بتوان آنها را تکذیب کرد و یا در مورد آنها تردیدی در دل راه یابد. پس اخبار متواتر با وجود دو عامل عدم احتمال توافق بر کذب یا احتمال خطای همگان در فهم، باعث یقین در نفس می‌شود.

قسم دیگری که در این درس مورد توجه قرار می‌گیرد، حدسیات است. حدسیات در بین عرف به معنای تخمین است که علم منطق با چنین معنایی کار ندارد. بلکه مراد از حدس در منطق، انتقال سریع ذهن به نتیجه صحیح است که بدون طی مراحل تدریجی فکر حاصل می‌شود. حدسیات از این جهت که شامل تکرر در مشاهدات و داشتن قیاس خفی هستند، با تجربیات مشترکند، اما از جهت دیگر با تجربیات متفاوت هستند. زیرا در تجربیات هر چند علم به وجود سبب هست، اما ماهیت سبب ناشناخته می‌ماند، در صورتی که در حدسیات، ماهیت سبب نیز شناخته خواهد شد.

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود پس از فراگیری مطالب این درس بتواند:

۱. معنای متواترات را بداند.
۲. با عواملی که باعث یقین در متواترات می‌شود آشنا شود.
۳. تعریف حدسیات را بداند.
۴. شباهت و تفاوت بین حدسیات و تجربیات را بیان کند.

## متن عربى

د. المتواترات

«و هى قضايا تسكن إليها النفس سكونا يزول معه الشك و يحصل الجزم القاطع». و ذلك بواسطة إخبار جماعة يمتنع تواطؤهم على الكذب و يمتنع اتفاق خطأهم فى فهم الحادثة، كعلمنا بوجود البلدان النائية التى لم نشاهدها، و نزول القرآن الكريم على النبى محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و بوجود بعض الأمم السالفة أو الأشخاص.

و بعض حصر عدد المخبرين لحصول التواتر فى عدد معين. و هو خطأ، فإن المدار إنما هو حصول اليقين من الشهادات عندما يُعلم امتناع التواطؤ على الكذب و امتناع خطأ الجميع. و لا يرتبط اليقين بعدد مخصوص من المخبرين تؤثر فيه الزيادة و النقصان.

ه. الحدسيات

«و هى قضايا مبدأ الحكم بها حدس من النفس قوى جداً يزول معه الشك و يدعن الذهن بمضمونها». مثل حكمنا بأن القمر و زهرة و عطارد و سائر الكواكب السيارة مستفاد نورها من نور الشمس، و أن انعكاس شعاع نورها إلى الأرض يضاهى انعكاس الأشعة من المرأة إلى الأجسام التى تقابلها. و منشأ هذا الحكم أو الحدس اختلاف تشكّلها عند اختلاف نسبتها من الشمس قرباً و بعداً. و كحكمنا بأن الأرض على هيئة الكرة، و ذلك لمشاهدة السفن - مثلاً - فى البحر أول ما يبدو منها أعاليها ثم تظهر بالتدريج كلما قربت من الشاطئ. و كحكم علماء الهيئة حديثاً بدوران السيارات حول الشمس و جاذبية الشمس لها، لمشاهدة اختلاف أوضاع هذه السيارات بالنسبة إلى الشمس و إلينا، على وجه يثير الحدس بذلك.

و الحدسيات جارية مجرى المجربات فى الأمرين المذكورين، أعنى تكرّر المشاهدة و مقارنة القياس الخفى، فإنه يقال فى القياس - مثلاً: هذا المشاهد من الاختلاف فى نور القمر لو كان بالاتفاق أو بأمر خارج سوى الشمس لما استمر على نمط واحد على طول الزمن. و لما كان على هذه الصورة من الاختلاف، فيحدس الذهن أن سببه انعكاس أشعة الشمس عليه.

و هذا القياس المقارن للحدس يختلف باختلاف العلل فى ماهياتها باختلاف الموارد، و ليس كذلك المجربات فإن لها قياساً واحداً لا يختلف، لأن السبب فيها غير معلوم الماهية إلا من جهة كونه سبباً فقط. و هذه الجهة لا تختلف باختلاف الموارد.

و ذلك لأن الفرق بين المجربات و الحدسيات أن المجربات إنما يُحكم فيها بوجود سبب ما، و أن هذا السبب موجود فى الشيء الذى تتفق له هذه الظاهرة دائماً من غير تعيين لماهية السبب. أما فى الحدسيات فإنها بالإضافة إلى ذلك يُحكم فيها بتعيين ماهية السبب أنه أى شيء هو.

## شرح درس ۱

## د. متواترات

## تعریف متواترات

در برخی اوقات، اخباری که توسط دیگران به اطلاع فرد رسانده می‌شود، به گونه‌ای است که نفس انسان نسبت به آنها سکون پیدا کرده و بدون تردید، صحتشان را می‌پذیرد. این آرامش و اطمینان به خاطر آن است که نفس خبر دادن این گروه از افراد باعث حصول یقین در نزد شنونده می‌باشد.<sup>۱</sup>

به چنین قضایایی «متواترات» گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

## شرایط حصول یقین در متواترات

این گروه از افراد که خبرشان متواتر و باعث یقین است، باید از دو صفت برخوردار باشند:

الف: تبانی و توافق گروه خبردهنده بر دروغ ممتنع باشد.

توضیح مطلب: در بین اخباری که در بین مردم منتشر می‌شود، برخی اخبار شایعاتی هستند که به خاطر اغراض خاص، توسط فرد یا افرادی در بین مردم پخش شده‌اند. اما در بین اخبار منتشره، اخباری نیز وجود دارد که انسان یقین می‌کند که در مورد آنها تبانی بر کذب ممتنع است. مانند اخباری که غرض خاصی در انتشار آن نیست و یا اینکه افراد مختلف با سلیقه‌های متفاوت خبری را به طور یکسان نقل کنند. در این صورت، اطمینان حاصل می‌شود که توافقی در مبنی بر خبرسازی دروغ وجود نداشته است.

ب: احتمال اینکه همه این افراد خبردهنده، در فهم حادثه اشتباه کرده باشند وجود نداشته باشد.

بسیاری از دانشمندان منطق و اصول، این صفت را در بحث تواتر ذکر نکرده‌اند. اما علامه مظفر، لازم دانسته‌اند که این نکته را هم اضافه کنند. زیرا بنابر اذعان جامعه‌شناسان، اکثر مردم در ملاحظات و محاسبات روزمره چندان اهل دقت نبوده و چه بسا در برخی از امور زندگی خود بدون در نظر گرفتن معیارهای صحیح، به تقلید کورکورانه از دیگران پرداخته و یا مشهوراتی که دیگران بیان می‌کنند، آنها نیز بدون توجه در صحت یا سقم آن تکرار کنند. مانند تبعیت از مد لباس، تکرار تکه کلمات اروپایی بدون علم به معنای آنها، پیروی از شایعات خبری در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ...<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. در تدوین شرح درس، از این منبع استفاده زیادی شده است: محمدی خراسانی، علی؛ شرح منطق مظفر.

<sup>۲</sup>. ر.ک: دانش‌افزایی؛ عنوان «نظر شهید صدر درباره یقین در متواترات».

<sup>۳</sup>. ر.ک: دانش‌افزایی؛ عنوان «قیاس خفی در متواترات».

<sup>۴</sup>. از جمله اتفاقاتی که می‌تواند مؤید وجود برخی تصدیقات بدون دقت در نزد عوام باشد، مثال زیر است: «در زمان استهلال ماه، فردی خیال می‌کند که ماه را رؤیت کرده است، وقتی همه مردم با رویداد رؤیت هلال با او توافق پیدا کنند، او نیز یقین پیدا می‌کند که ماه را رؤیت کرده است. زیرا وقتی انسان با گروهی هم نظر و هم عقیده شد، به‌خاطر اینکه به تکروری و مخالفت متهم نشود، در امور مختلف با آنها همراه می‌شود و تصدیق آنها باعث می‌شود که به صحت پندار خودش یقین پیدا کند، در صورتی که اگر از همین فرد درخواست می‌شد که دوباره دقت کند که او برآستی ماه را دیده است یا نه؟ ممکن است نظرش تغییر یابد». حیدری، سیدکمال؛ شرح کتاب منطق علامه مظفر؛ ج ۴، ص ۷۸.

مثال روشن‌تری که می‌توان برای اهمیت داشتن صفت دوم در مورد افراد خبردهنده بیان کرد، جملاتی است که تماشاگران صحنه‌های شعبده‌بازی و تردستی بعد از اجرای نمایش با حالت اطمینان بر زبان می‌آورند:

دیدید چگونه شیشه‌ها را با دندان‌هایش خرد کرد؟ ..... دیدید چطور سیخ را از یک سمت بدنش فرو کرد و از سمت دیگر بیرون آورد و خونی بر زمین ریخته نشد؟ ..... دیدید چطور بر یک طناب نازک راه می‌رفت؟ و .....

عوام مردم فکر می‌کنند واقعا این اتفاقات در بیرون رخ داده است و فردی می‌تواند سیخی را از بدنش بدون خونریزی عبور بدهد! اما افرادی که از این حیل‌ها آگاه هستند، آنها را باور نکرده و خطاهای چشمی و ذهنی را بر حکم عقل غلبه نمی‌دهند. بنابراین افزودن قید دوم نیز ضروری به نظر رسیده و قید اول به تنهایی کافی نیست.

### چند مثال برای متواترات

الف: ما به وجود بسیاری از شهرهای دنیا یقین داریم؛ در حالی که شاید یکبار هم آنجا نرفته و از نزدیک آنجا را مشاهده نکرده‌ایم. یقین ما برآمده از تواتر اخبار، داستان‌ها و یا عکس‌هایی است که در مورد آنجا دیده‌ایم.

ب: از زمان بعثت پیامبر اسلام و نزول قرآن بیش از هزار و چهارصد سال می‌گذرد، اما ما اکنون نسبت به رسالت ایشان و نزول کتاب آسمانی‌اش یقین داریم؛ این یقین به‌خاطر تواتر نقلی است که نسل به نسل عبور کرده تا به ما رسیده است.

ج: هیچ‌کدام از ما، در زمان انبیاء گذشته و امت‌هایشان و یا سلاطین قدیم و پیروانشان نبوده‌ایم، اما به وجود چنین افرادی در گذشته دور و نزدیک یقین داریم؛ این یقین نیز به‌خاطر تواتر اخباری است که از آنان به گوش ما رسیده است.

د: آیا کسی در عصر حاضر، ارسطو<sup>۱</sup>، افلاطون<sup>۲</sup> و یا فیثاغورث<sup>۳</sup> را دیده و صدایشان را شنیده است؟ خیر؛ ولی باز همگان یقین دارند که چنین دانشمندان بزرگی روزگاری بسیار دور در بین مردم یونان زندگی می‌کرده‌اند و دارای نظریاتی در علوم مختلف بوده‌اند که سالیان سال تا زمان کنونی، این نظریات در مدارس علمی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

این سینا در اشارات می‌فرماید:

و كذلك القضايا التواترية و هي التي تسكن إليها النفس سكونا تاما يزول معه الشك لكثرة الشهادات مع إمكانية بحيث يزول الريبة عن وقوع تلك الشهادات على سبيل الاتفاق و التواطؤ و هذا مثل اعتقادنا بوجود مكة و وجود جالينوس<sup>۴</sup> و أقليدس<sup>۵</sup> و غیرهم.<sup>۶</sup>

۱. ر.ک: دانش‌نامه.

۲. ر.ک: دانش‌نامه.

۳. ر.ک: دانش‌نامه.

۴. ر.ک: دانش‌نامه.

۵. ر.ک: دانش‌نامه.

۶. ابن سینا، حسین؛ شرح الإشارات و التنبیها (مع المحاکمات)؛ ج ۱، ص ۲۱۸.

## تعداد معتبر در تحقق تواتر

برخی از محدثین برای تحقق تواتر، تعداد خاصی برای خبردهندگان مشخص کرده‌اند. به عبارت دیگر، به نظر آنان تواتر وقتی محقق می‌شود که افراد مخبرین به این عدد خاص برسد. و این عدد را مختلف ذکر کرده‌اند: چهار، دوازده، چهل، هفتاد، صد و چهارده، و یا سیصد و سیزده نفر - که تعداد اصحاب بدر بوده اند - و ....  
مطلب درست آن است که مسأله مهم در تحقق تواتر، خبر دادن گروهی است توافق آنها بر کذب ممتنع باشد و از خبر آنها یقین حاصل شود و عدد خاصی معتبر نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۵. حدسیات

### تعریف حدسیات

پنجمین از بدیهیات شش‌گانه حدسیات است.

حدسیات قضایا<sup>۲</sup> و تصدیقاتی<sup>۳</sup> هستند که نفس به صورت قطعی و جزمی، به طوری که هیچ شکی در میان نباشد، به آنها حکم می‌کند. منشأ این حکم وجود یک حدس قوی در انسان است که قوی و قطع‌آور بوده و با زدودن تردید از دل او، موجب اذعان و اعتقاد ذهن به مضامین و محتوای آن قضایا می‌شود.<sup>۴</sup>

### مراتب حدس

برای این که منظور از «حدس قوی» مشخص شود، مراتب حدس را در قالب مثالی از علم اصول بیان می‌شود:  
اگر مجتهدی از اتفاق سه یا ده نفر از علماء عصر، حدس قطعی به رأی معصوم پیدا کند این حدس، حدس ضعیفی است؛ حال اگر از اتفاق نظر همه<sup>۵</sup> دانشمندان یک دوره<sup>۶</sup> زمانی نظر معصوم را حدس بزند، این حدس متوسط است؛ ولی اگر حدس او برگرفته از اتفاق و اجماع<sup>۷</sup> تمام دانشمندان باشد که در دوره‌های مختلف زمانی بر این نظر توافق داشته‌اند، این حدس حدسی قوی و یقین‌آور خواهد بود که برای هر انسان متعارفی یقین می‌آورد.  
پس حدس قوی، در مقابل حدس ضعیف - که با آن یقین حاصل نمی‌شود - می‌باشد.

### چند مثال منطقی

۱. همگان به طور جزم می‌دانند که نور ماه، عطارد<sup>۸</sup>، زهره<sup>۹</sup> و سایر سیارات منظومه شمسی<sup>۱</sup> از نور خورشید گرفته شده و ذاتی آنها نیست. در واقع کره<sup>۲</sup> ماه مانند آینه‌ای است که در مقابل نور خورشید را گرفته و نور آن را به سمت زمین منعکس می‌کند.

<sup>۱</sup>. ر.ک: دانش‌افزایی؛ عنوان «عوامل اثرگذار در یقین در متواترات».

<sup>۲</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۳</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۴</sup>. ر.ک: دانش‌افزایی؛ عنوان «مراد از حدس منطقی و تفاوت آن با فکر».

<sup>۵</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۶</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.

<sup>۷</sup>. ر.ک: دانش‌نامه.



این حکم جزمی، برگرفته از حدسی می‌باشد که بعد از مطالعه در حالات مختلف ماه بدست آمده است. زیرا اگر نور ماه ذاتی خودش بود، این‌گونه نمی‌شد که در برخی شب‌ها نور کامل باشد و در برخی شب‌ها هلالی و یا به صورت‌های دیگر دیده شود. همان‌طور که این تفاوت روشنایی در کره ماه، باعث شد مطالعه دیگری نیز انجام شود و انسان به دنبال این پرسش برود که چرا روشنایی ماه متغیر بوده و از هلالی بودن اول ماه به سمت این می‌رود که تا یک چهارم اول ماه نصف آن روشن شود، سپس تا وسط ماه به صورت بدر و کامل درآید و دوباره در یک سیر منظم دوباره به شکل هلالی درآید؟ بعد از تحقیق در این زمینه، انسان به این نکته دست یافت که منشأ این تغییرات روشنایی در کره ماه، نزدیکی و دوری و مقابله و مقارنه ماه با خورشید است. پس حدس قوی زده شد که نور ماه و دیگر سیاره‌ها از خودشان نبوده و روشنایی مورد مشاهده انعکاس نور خورشید در سطح آن‌هاست.

۲. مطلب دیگری که همه به آن جزم دارند این است که: «زمین کروی است و نه مسطح و ...». یکی از دلایلی که می‌توان برای این حکم اقامه کرد این است که اگر شخصی در ساحل دریا بایستد و به نزدیک شدن کشتی‌ها توجه کند، می‌بیند که هنگام حرکت آن‌ها به سمت ساحل، ابتدا قسمت‌های فوقانی کشتی نمایان شده و هر چه کشتی نزدیک‌تر شود قسمت‌های بیشتری از آن دیده می‌شود تا تمام بدنه آن مشاهده شود.

مشاهده مکرر این پدیده، سوآلی را در ذهن بیننده ایجاد می‌کند که علت این امور چیست؟ پس از مطالعه و تحقیق، او به این حدس قطعی خواهد رسید که زمین هموار نیست و کروی است. زیرا اگر زمین هموار بود، نمی‌بایست در حرکت کشتی به سمت ساحل ابتدا قسمت‌های فوقانی آن و سپس دیگر قسمت‌ها دیده شوند.

۳. یکی از عقائد مسلم در هیئت قدیم<sup>۲</sup> - هیئت بطلمیوس - این بود که زمین مرکز عالم و به حالت سکون است و خورشید و سایر سیارات به دور زمین می‌پرند. هیئت جدید<sup>۳</sup> این اعتقاد را باطل کرد. از قرن شانزدهم میلادی، دانشمندی لهستانی به نام کپرنیک<sup>۴</sup> و بعدها توسط دانشمندانی به نام کپلر<sup>۵</sup> و امروزه توسط تمام دانشمندان علم هیئت نظریه دیگری تأیید و مورد اعلام قطعی قرار گرفته است که: «زمین و سایر سیارات منظومه شمسی به دور خورشید می‌گردند، و این قانون جاذبه و دافعه است که آن‌ها را در مدارهای معین خودشان به حرکت در آورده است».

این حدس قطعی که زمین به دور خورشید می‌گردد از جهت مشاهده اختلاف اوضاع این سیارات نسبت به خورشید و نسبت به ما انسان‌ها حاصل گردیده و اوضاع فلکی کوكب‌ها این امر را برای ما قطعی کرده است.

## شباهت‌ها و تفاوت حدسیات و مجربات<sup>۶</sup>

الف: شباهت‌ها

۱. ر.ک: دانش‌نامه.

۲. ر.ک: دانش‌نامه.

۳. ر.ک: دانش‌نامه.

۴. ر.ک: دانش‌نامه.

۵. ر.ک: دانش‌نامه.

۶. ر.ک: دانش‌افزایی؛ عنوان «مقایسه حدسیات، تجربیات و متواترات با اولیات و مشاهدات و فطریات».

در تجربیات گفته شد که برای آن که تجربه‌ای مفید یقین باشد، وجود دو عامل ضروری است:

۱. مشاهدات مکرر؛

۲. تشکیل یک قیاس خفی<sup>۱</sup>.

در حدسیات نیز برای رسیدن به یقین باید این دو عامل وجود داشته باشند.

۱. مشاهدات مکرر: حدسی که به طور مثال در جریان عارضی بودن نور ماه گفته شد، ناشی از مشاهدات مکرری است که فرد از حالات متغیر ماه داشته است؛ به عبارت دیگر، چنین نبوده است که این تغییرات تنها در یک ماه بروز کرده باشد و در دیگر ماه‌های سال چنین تغییراتی مشاهده نشده باشد، بلکه این تغییرات به طور مکرر مشاهده شده است.

۲. تشکیل قیاس خفی: این قیاس نیز مانند دیگر قیاس‌ها دارای مقدماتی است:

صغری: اگر تغییرات و اختلافاتی که در نور ماه دیده می‌شود، تصادفی یا معلول عامل دیگری غیر از خورشید بود، لازم‌آش این بود که این سیر در طول سالین متمادی یکسان نبوده و مثلاً گاهی این نور ثابت باشد و گاه مختلف شود.

کبری: این تغییرات و اختلاف روشنایی در کره ماه به صورت پیوسته همین‌گونه بوده و دوام داشته است.

پس نتیجه گرفته می‌شود که این امر تصادفی و مستند به عاملی غیر از خورشید نمی‌باشد؛ بلکه سبب این اختلاف، انعکاس اشعه خورشید بر ماه است.

ب: تفاوت‌ها<sup>۲</sup>

حدسیات ملحق به مجربات هستند و حکم یقینی در هر دو آنها مبتنی بر قیاس خفی است. ولی کبرای کلی در قیاس تجربی در همه موارد یک چیز است و کبرای کلی در قیاس حدسی، مورد به مورد متفاوت می‌شود. لذا در مجربات علت حکم دقیقاً مشخص نمی‌شود اما در حدسیات علت و سبب<sup>۳</sup> حکم دقیقاً مشخص می‌شود.<sup>۴</sup>

دلیل مطلب آن است که در تجربیات از راه تجربه و تشکیل قیاس، تنها علمی اجمالی پیدا می‌شود که «آتش دارای حرارت و سوزندگی است»؛ اما این که علت حرارت و سوزندگی آتش به سبب چه خصوصیتی است، ممکن است معلوم و مورد آگاهی فرد نباشد. اما در حدسیات، علت واقعی شناخته شده و به ماهیت<sup>۵</sup> آن پی برده می‌شود. پس کبری قیاس حدسیات با توجه به موردها مختلف می‌شود.

مثال دیگر: با توجه به آزمایش‌ها و مشاهدات مکرر، این گزاره تجربی به دست می‌آید که: «حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود». یعنی فرد با تجربه یقین می‌یابد که حرارت دادن فلز باعث می‌شود که در کمیت فلز بساطت ایجاد گردد. اما اینکه علت این بساطت چه چیزی است با حدس حاصل می‌شود. حدس قوی می‌گوید از آنجا که چیزی از بیرون بر فلز افزوده نشده است،

۱. ر.ک: دانش‌نامه.

۲. در کتاب منطق ۲ (صفحه ۳۴۹) و نیز کتاب شرح منطق سید کمال حیدری (ج ۴، ص ۶۳) وجود چنین تفاوتی نفی شده است که با توجه به بررسی‌های انجام شده و توضیحی که در متن آورده‌ایم، به نظر می‌رسد که وجود چنین تفاوتی بین مجربات و حدسیات واقعی و واضح است. (آموزشیار).

۳. ر.ک: دانش‌نامه.

۴. سلیمانی امیری، عسگری؛ منطق پیشرفته؛ ص ۷۱.

۵. ر.ک: دانش‌نامه.

عامل بساطت فلز، فاصله یافتن اجزاء مولکولی شیء در اثر حرارت است. پس با توجه به حدس مذکور، علت گزاره تجربی «حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود» فاصله یافتن مولکول‌های فلز با حرارت است.

بنابراین حدسیات همان تجربیات هستند که «حدس قطعی به ماهیت سبب» به آنها اضافه شده است. خواجه طوسی<sup>۱</sup> در این زمینه گفته است:

«هی [الحدسیات] شديدة المناسبة للمجربات أقول: هی جاریة مجری المجربات فی الأمرین المذكورین أعنی تکرار المشاهدة و مقارنة القیاس إلا أن السبب فی المجربات معلومة السببیه غیر معلوم الماهیه، و فی الحدسیات معلوم بالوجهین»<sup>۲</sup>.

حدسیات بسیار با تجربیات تناسب دارند، زیرا در هر دو تکرار مشاهده و همراهی با قیاس وجود دارد، اما در مجربات به طور اجمال می‌دانیم سببی برای این گزاره تجربی وجود دارد ولی ماهیت سبب معلوم نیست، اما در حدسیات هم وجود سبب و هم ماهیتش مورد علم است.<sup>۳</sup>



<sup>۱</sup>. ر.کد دانش‌نامه.

<sup>۲</sup>. شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات؛ ج ۱، ص ۲۱۸.

<sup>۳</sup>. ر.کد دانش‌افزایی؛ عنوان «تفاوت دیگری برای مجربات و حدسیات».

## نمودار بندی

۱. هر دو نیازمند مشاهده مکرر می‌باشند.

۲. در هر دو آنها قیاس خفی وجود دارد.

شبهات



مقایسه مجربات و حدسیات

در مجربات سبب معلوم است اما ماهیت آن

معلوم نیست، اما در حدسیات ماهیت سبب هم مشخص است.

تفاوت



## ترجمه درس ۱

## ۴. متواترات

## تعریف متواترات

د. المتواترات

د. متواترات

«و هي قضايا تسكن إليها النفس سكوناً يزول معه الشك و يحصل الجزم القاطع». و ذلك بواسطة إخبار جماعة يمتنع تواطؤهم على الكذب و يمتنع اتفاق خطأهم في فهم الحادثة،

«متواترات قضایایی است که نفس نسبت به آنها به سکون و آرامشی که شک در آن زایل شده می‌رسد و جزم قطعی حاصل می‌شود». و این سکون و قرار در اثر اخبار گروهی است که توافقشان بر کذب و نیز خطای همه آنها در فهم حادثه ممکن نیست.

## چند مثال

كعلمنا بوجود البلدان النائية التي لم نشاهدها، و بنزول القرآن الكريم على النبي محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و بوجود بعض الأمم السالفة أو الأشخاص.

مانند علم ما به وجود شهرهای دوردستی که ندیده‌ایم، و یا علم ما به نزول قرآن بر پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) و به وجود برخی از امته‌ها و یا اشخاص پیشین.

## تعداد معتبر در تحقق تواتر

و بعضٌ حصر عدد المخبرين لحصول التواتر في عدد معين. و هو خطأ، فإن المدار إنما هو حصول اليقين من الشهادات عندما يُعلم امتناع التواطؤ على الكذب و امتناع خطأ الجميع. و لا يرتبط اليقين بعدد مخصوص من المخبرين تؤثر فيه الزيادة و النقصان.

بعضی از منطق دانان تعداد خبردهندگانی را که برای حصول تواتر لازم است، مشخص کرده‌اند. اما این اشتباه است. زیرا ملاک آن است که هنگام علم به امتناع توافق بر دروغ و امتناع اشتباه همگی، از شهادت ایشان یقین حاصل شود و حصول یقین ارتباطی با عدد خاصی از خبردهندگان، که ممکن است کم یا زیاد شوند ندارد.

## ۵. حدسیات

## تعریف حدسیات

ه. الحدسیات

ه. حدسیات

«و هي قضايا مبدأ الحكم بها حدس من النفس قوى جداً يزول معه الشك و يذعن الذهن بمضمونها».

۱. در ترجمه درس از این منبع استفاده شده است: شیروانی، علی؛ ترجمه منطق مظفر؛ ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۸.

«حدسیات قضایایی است که مبدأ حکم به آن، حدس قوی نفس است که با [حصول] آن، هر گونه تردیدی زدوده شده و ذهن به مضمون آن اذعان می‌کند».

### بررسی چند مثال

مثل حکمنا بأن القمر و زهرة و عطارد و سائر الكواكب السيارة مستفاد نورها من نور الشمس، و أن انعكاس شعاع نورها إلى الأرض يضاهي انعكاس الأشعة من المرأة إلى الأجسام التي تقابلها.

مانند حکم به این که کره ماه، زهره، عطارد و دیگر سیارات منظومه شمسی، نور خود را از نور خورشید می‌گیرند، و اینکه انعکاس نور آنها به زمین مانند انعکاس پرتوهای نور از آینه به سوی اجسامی است که در برابر آن قرار دارد.

و منشأ هذا الحكم أو الحدس اختلاف تشكّلها عند اختلاف نسبتها من الشمس قربا و بعدا.

و منشأ این حکم یا حدس، تغییر شکل این سیارات هنگام تغییر نسبت آنها به خورشید است.

و حکمنا بأن الأرض على هيئة الكرة، و ذلك لمشاهدة السفن - مثلاً - في البحر أول ما يبدو منها أعاليها ثم تظهر بالتدريج كلما قربت من الشاطئ.

و مانند حکم به کروی بودن زمین که منشأ آن مشاهده کشتی در دریا است، که ابتدا قسمت‌های مرتفع آن دیده می‌شود، و سپس هر چه به سوی ساحل نزدیک‌تر می‌آید، دیگر قسمت‌های آن نیز مشاهده می‌شود.

و حکم علماء الهيئة حديثا بدوران السيارات حول الشمس و جاذبية الشمس لها، لمشاهدة اختلاف أوضاع هذه السيارات بالنسبة إلى الشمس و إينا، على وجه يثير الحدس بذلك.

و مانند حکم ستاره‌شناسان متأخر به اینکه سیارات به دور خورشید می‌چرخند، و خورشید آنها را به سوی خود جذب می‌کند، [که] به خاطر مشاهده تغییر وضع این سیارات نسبت به خورشید و نسبت به ما [ناشی شده است]، به گونه ای که موجب حدس به این مطلب می‌شود.

### شباهت حدسیات و مجربات

و الحدسیات جاریة مجری المجربات فی الأمرین المذكورین، أعنی تکرر المشاهدة و مقارنة القياس الخفی، فأنه يقال فی القياس - مثلاً: هذا المٌشاهد من الاختلاف فی نور القمر لو كان بالاتفاق أو بأمر خارج سوی الشمس لما استمرّ على نمط واحد على طول الزمن. و لما كان على هذه الصورة من الاختلاف، فيحدس الذهن أن سببه انعكاس أشعة الشمس عليه.

و در حدسیات نیز مانند مجربات دو امری که قبلاً ذکر شدند جاری می‌شود؛ منظور (از دو امر مذکور) مشاهده متکرر و تقارن با یک قیاس خفی (پوشیده و نهان) است. در این قیاس مثلاً گفته می‌شود: اگر این تغییری که در نور ماه مشاهده می‌شود، تصادفی یا در اثر یک عامل خارجی غیر از خورشید باشد، هرگز در طول زمان به نحو یکسان استمرار نمی‌یافت. و چون همواره به این نحوه خاص تغییر می‌کند، ذهن حدس می‌زند که سبب آن انعکاس پرتو خورشید به آن است.

### تفاوت حدسیات و تجربیات

و هذا القياس المقارن للحدس يختلف باختلاف العلل فی ماهیاتها باختلاف الموارد، و ليس كذلك المجربات فإن لها قیاسا واحدا لا يختلف،

[تفاوتی که در این مورد میان حدسیات و مجربات وجود دارد، آن است که] قیاس همراه با حدس، در اثر گوناگونی ماهیات علل در موارد مختلف، گوناگون می‌شود. برخلاف قیاس همراه با تجربه که [تغییر نمی‌کند و همواره] شکل ثابتی دارد و مختلف نمی‌شود.

لأنَّ السبب فیها غیر معلوم الماهیة إلاَّ من جهة كونه سببا فقط. و هذه الجهة لا تختلف باختلاف الموارد.

این به خاطر آن است که در مجربات، ماهیت سبب ناشناخته است و تنها سبب بودن آن معلوم می‌باشد. و این خصوصیت در موارد گوناگون به نحو یکسان وجود دارد.

و ذلك لأنَّ الفرق بین المجربّات و الحدسیّات أنّ المجربّات إنّما یُحکم فیها بوجود سبب ما، و أنّ هذا السبب موجود فی الشیء الذی تتفق له هذه الظاهرة دائما من غیر تعیین لماهیة السبب. أمّا فی الحدسیّات فإنّها بالإضافة إلى ذلك یُحکم فیها بتعیین ماهیة السبب أنّهُ أی شیء هو.

و این به خاطر آن است که تفاوت میان مجربات و حدسیات در آن است که: در مجربات تنها حکم می‌شود به اینکه سبب و علتی وجود دارد، و این سبب در شیئی که این پدیده در آن به طور مستمر روی می‌دهد، تحقق دارد بدون آن که ماهیت آن سبب تعیین شود. اما در حدسیات علاوه بر آن، ماهیت سبب نیز تعیین می‌شود که چه چیزی است.<sup>۱</sup>



<sup>۱</sup> یعنی در حقیقت حدسیات همان مجربات است با یک امر زاید که عبارت است از تعیین ماهیت سبب با حدس.

## چکیده

۱. برخی اخبار به گونه‌ای است که نفس نسبت به آنها آرامش یافته و بدون تردید صحتشان را می‌پذیرد این آرامش و اطمینان برگرفته از عدم احتمال تبانی بر کذب از جانب خبردهندگان است.
۲. گروهی که خیرشان به خاطر تواتر باعث حصول یقین می‌شود، باید دو صفت داشته باشند؛ اولاً احتمال تبانی و توافق آنها بر کذب ممتنع باشد، و ثانیاً محال باشد که این تعداد از انسان‌ها با هم در فهم خبری اشتباه کرده باشند.
۳. حدسیات قضایا و تصدیقاتی هستند که نفس به صورت قطعی و جزمی، به طوری که هیچ شکی در میان نباشد، به آنها حکم می‌کند. منشأ این حکم وجود یک حدس قوی در انسان است که قوی و قطع‌آور بوده و با زدودن تردید از دل او، موجب اذعان و اعتقاد ذهن به مضامین و محتوای آن قضایا می‌شود.
۴. مجربات و حدسیات، دارای دو عامل مشترک هستند. هر دو نیازمند مشاهده مکرر می‌باشند و نیز در هر دو آنها قیاس خفی وجود دارد.
۵. تفاوت مجربات و حدسیات در آن است که در مجربات تنها معلوم است که این تجربه وابسته به علت و سببی است، اما ماهیت سبب مشخص نیست، بر خلاف حدسیات که ماهیت سبب نیز مشخص است.







## آزمون



## دانش افزایی

### ۱. قیاس خفی در متواترات

حصول یقین در متواترات، مانند مجربات مبتنی بر «قیاس خفی» است. مقدمات این قیاس خفی عبارت است از: صغری: این خبر را تعداد کثیری که اجتماعشان بر کذب عاداتاً ممکن نیست خبر داده‌اند. کبری: هر خبری را که تعداد کثیری که اجتماعشان بر کذب عاداتاً ممکن نیست خبر دهند، صادق است. نتیجه: پس این خبر صادق است.<sup>۱</sup>

### ۲. نظر شهید صدر درباره یقین در متواترات

مشهور کبرای قیاس خفی در متواترات را بدیهی محسوب کرده و متواترات را از یک از یقینیات شش‌گانه محسوب می‌کنند. اما شهید صدر یقین بدست آمده در متواترات را برابند یقین موضوعی استقرایی که براساس حساب احتمالات به آن یقین شده است دانسته و ثبوت استنباط عقلی را رد می‌کند.

به نظر ایشان، اعتقاد به مضمون قضایای تجربی و متواتر محصول تراکم قراین فراوانی است که همگی با روشی واحد، می‌خواهند معنایی را به مخاطب برسانند. وقتی بارها مشاهده شد که فلز با حرارت انبساط می‌یابد، نتیجه گرفته می‌شود که "چون اتفاق درست نیست، پس تکرار در انبساط آهن با حرارت نشان می‌دهد که آهن با حرارت منبسط می‌شود؛ و با تکرار بیشتر آزمایش و مشاهده، یقین نیز افزایش می‌یابد. در متواترات نیز، وقتی تعداد فراوانی وجود کشوری مانند چین را خبر دادند، نتیجه گرفته می‌شود که "چون اتفاق بر کذب توسط مخبرین فراوان عاداتاً ممتنع است، وقتی تعداد زیادی که اجتماعشان بر کذب محال است، از وجود کشوری به نام چین خبر دادند پس چنین کشوری وجود دارد؛ و این یقین با زیاد شدن مخبرین، استحکام بیشتری می‌یابد، هر چند این احتمال نیز وجود دارد که خبردهنده‌ای به خاطر مصلحتی یا دلیل دیگری دروغ گفته باشد!"<sup>۲</sup>

### ۳. عوامل اثرگذار در یقین در متواترات

با توجه به اینکه متواترات برگرفته از اعتماد به یک خبر و مخبرین آن می‌باشد، ویژگی‌های ذاتی خبر و ویژگی خبردهندگان در میزان یقین به آن اثرگذار خواهد بود.

این عوامل گاه به عنوان عوامل موضوعی و ذاتی، یا خصوصیات عامه و خاصه خبر مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۳</sup> دو مثال:

<sup>۱</sup>. منطق پیشرفته؛ ص ۷۲.

<sup>۲</sup>. صدر، محمد باقر؛ دروس فی علم الأصول (طبع دار الهدی)؛ ج ۳، ص ۱۵۲: «أنّ اليقين بالقضية التجريبية والمتواترة يقين موضوعي استقرائي، وأن الاعتقاد بها حصيلة تراكم القرائن الاحتمالية الكثيرة في مصب واحد، فأخبار كل مخبر قرينة احتمالية، ومن المحتمل بطلانها؛ لإمكان وجود مصلحة تدعو المخبر إلى الكذب... وليس ذلك إلا لأن اليقين في المتواترات والتجريبيات ناتج عن تراكم القرائن الاحتمالية وتجمع قيمها الاحتمالية المتعددة في مصب واحد، وليس مشتقاً من قضية عقلية أولية كتلك الكبرى التي يفترضها المنطق».

<sup>۳</sup>. دروس فی علم الأصول (طبع دار الهدی)؛ ج ۳؛ ص ۱۵۳: «و الضابط في التواتر: الكثرة العددية، و لكن لا يوجد تحديد دقيق لدرجة هذه الكثرة التي يحصل بسببها اليقين بالقضية المتواترة؛ لأن ذلك يتأثر بعوامل موضوعية مختلفة وعوامل ذاتية أيضاً». توضیح بیشتر: منصورى، ایدا؛ البيان المفيد في شرح الحلقة الثالثة من حلقات علم الأصول، ج ۲، ص: ۳۳۷ / رفاعى، عبدالجبار؛ محاضرات في أصول الفقه شرح الحلقة الثانية؛ ج ۱؛ ص: ۳۲۱.

۱. وقتی تعدادی از مردم مسن شهر در مورد بارش باران در فصل تابستان در گذشته خبر دهند، اعتقاد به آن دشوارتر از زمانی است که درباره بارش آن در زمستان سخن بگویند. در اینجا فراتر از مخبرین، نوع خبر در قبول یا انکار مؤثر است.

۲. وقتی که دشمنان اهل بیت روایتی در فضیلت امام علی (علیه السلام) از زبان پیامبر نقل می‌کنند، قبول آن راحت‌تر از زمانی است که بین شیعیان این فضیلت بازگو شود. و وقتی زمان و مکان راویان در عصری بوده باشد که افراد از نقل فضایل امیرالمؤمنین منع می‌شده‌اند، ثبوت چنین نقلی واقعی‌تر می‌نماید.

#### ۴. تفاوت دیگری برای مجربات و حدسیات

«حدسیات از تجربه مستقیم بدست نیامده است (هر چند آثار، نشانه‌ها و قراین آن مورد تجربه واقع می‌شود)؛ حال آن که در مجربات قضایای بدست آمده به طور مستقیم از تجربه برآمده است»<sup>۱</sup>.

#### ۵. مقایسه حدسیات، تجربیات و متواترات با اولیات و مشاهدات و فطریات

هر انسانی که با علوم مختلف سروکار داشته و قضایای آنها را مورد دقت و مطالعه قرار می‌دهد با قضایای حدسی زیادی روبرو می‌شود که هیچ شکی در اصل قضیه و تصدیق ندارد. خصوصیت مهم حدسیات در مقایسه با برخی قضایای یقینی دیگر این است که در حدسیات بقیه افراد با این فرد حدس‌زننده مشترک نیستند، و نیز نمی‌توان این قضایا را با تلقین به افراد آموخت که: شما هم مثل من حدس بزنید و چنین قطعی پیدا کنید. مگر اینکه راهی را که شخص حدس‌زننده رفته، دیگری هم طی کند و همان شرائط علمی و روحی را داشته باشد، (یعنی صفای نفس، درجه علمی، تیزهوشی، سرعت انتقال) تا بتواند به آن حدس قطعی برسد. حال اگر کسی این امر حدسی را انکار کند، شخص حدس‌زننده راهی به سوی اثبات آن امر ندارد. همین خصوصیت در متواترات و تجربیات هم هست. یعنی تا خود شخص، تجربه و آزمایش نکند هرگز یقین پیدا نمی‌کند که مثلاً هر آتشی سوزنده است یا اینکه تا برای خود شخص خبری در حد تواتر اثبات نشود، هرگز یقین پیدا نخواهد کرد. به همین علت افراد در این امور متفاوت هستند به عبارت ساده‌تر همگانی نیست، یعنی ممکن است برای برخی حدس یقینی حاصل شود و برای دیگران خیر. اما اولیات همگانی است، یعنی هر انسانی به درستی موضوع و محمول و نسبت بین آن دو را تصور کند چنین تصدیق جزمی پیدا می‌کند چه بخواهد یا نخواهد، مشاهدات نیز برای هر انسانی که واجد حس مربوطه باشد، جزمی و یقین‌آور است؛ و فطریات هم برای هر فردی که دارای فطرت و عقل فطری باشد و درست‌مطلب را تجزیه و تحلیل کند یقین‌آور است. این مطلب همگانی است و اختصاصی نیست.<sup>۲</sup>

#### ۶. مراد از حدس منطقی و تفاوت آن با فکر

«حدس» به معنای اصطلاحی، در مقابل فکر است و به این معنا است که ذهن بدون تأمل و سیر و حرکت در بین معلومات، بلافاصله و به محض طرح مشکل، پاسخ آن را بیابد، یعنی اگر در مقام کشف معرف است، بدون درنگ و تأمل به اجزای آن منتقل شود و اگر در مقام کشف دلیل است، بلافاصله به حد وسط استدلال برسد.

<sup>۱</sup> منتظری مقدم، محمود؛ منطق؛ ۲: ص ۳۴۹.

<sup>۲</sup> محمدی خراسانی، علی؛ شرح منطق؛ ج ۲، ص ۲۳۰.

حدس به این معنا با حدسی که در السنه عوام به کار می‌رود و به معنای گمان و احتمال و پندار است متفاوت می‌باشد. فرق دیگری که حدس با فکر دارد این است که فکر گاهی در راه دستیابی به مطلوب به خطا می‌رود، اما حدس همواره صائب است و به خطا نمی‌رود.<sup>۱</sup>

در فکر، انتقال ذهن از مبادی به سوی مطالب، و تبدیل مطلوب مجهول به نتیجه معلوم، تدریجی و گام‌به‌گام است. یعنی باید مراحل را پشت‌سر گذارد تا به نتیجه برسد. این مراحل اصلی که مکرر در این کتاب بدان اشاره شده، عبارتند از:

۱. سیر از مطلوب به سمت مبادی.

۲. سیر در میان مبادی به منظور یافتن معلومات مناسب.

۳. سیر از مبادی به سمت مطلوب و تبدیل آن به معلوم.

ولی در باب حدس، انتقال ذهن از مبادی به مطالب، دفعی است یعنی یک‌دفعه و به طور ناگهانی انسان به امری که چه بسا بدنبال آن هم نبوده، قاطع می‌شود.<sup>۲</sup>



<sup>۱</sup> ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی؛ شرح برهان شفا؛ ص ۹۳ / منطق ۲، ص ۳۴۸.

<sup>۲</sup> شرح منطق؛ ج ۲، ص ۲۳۰.

## پژوهش و تمرین

۱. آیا تواتر در امور عقلی - مثلاً حدوث جهان توسط دانشمندان زیادی نقل شود - یا در امور شهودی و عرفانی حجت است؟  
سلیمانی امیری، عسگری؛ منطق صدرايي؛ ص ۴۰۰.
۲. آیا خبر متواتر مفید علم و یقین آور است؟  
علامه حلی، حسن بن یوسف، نهیة الوصول الی علم الأصول؛ ج ۳، ص ۲۹۹.
۳. بر فرض یقین آوردن خبر متواتر، مفید یقین بدیهی است و یا نظری؟ برخی معتزله و اشاعره - هم‌چون بصری، بلخی، جوینی، غزالی از معتزله و دقاق از اشاعره - آن را نظری دانسته اند و برخی نیز اذعان بر بدیهی بودن آن دارند. دلیل‌های هر کدام را بررسی کنید.  
علامه حلی، حسن بن یوسف، نهیة الوصول الی علم الأصول؛ ج ۳، ص ۳۰۴.
۴. انواع تواتر عبارتند از تواتر لفظی، معنوی، اجمالی. هر کدام از آنها را با مثال توضیح دهید.  
مکارم شیرازی، ناصر؛ طریق الوصول الی مهمات علم الأصول (أصول الفقه بأسلوب حدیث و آراء جدیدة)؛ ج ۱؛ ص ۶۷.
۵. چرا ابن سینا، حدسیات را در زمره مبادی قیاس نیاورده است؟  
مصباح یزدی، محمدتقی؛ شرح برهان شفا؛ ص ۱۳۸/
۶. چرا برخی دانشمندان منطق، تفاوت تجربیات و حدسیات در معلوم شدن ماهیت سبب در حدسیات را نفی کرده‌اند؟  
حیدری، سید کمال؛ شرح منطق مظفر؛ ج ۴، ص ۶۳.



## دانش نامه

ارسطو، فیثاغورث، افلاطون، جالینوس، اقلیدس، قضایا، تصدیقات، عطارد، زهره، منظومه شمسی، هیئت قدیم (هیئت بطمیوس)، هیئت جدید، کپرنیک، کپلر، خواجه طوسی، ماهیت، سبب، قیاس خفی.



## منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله؛ شرح الأشارات و التنبیهات؛ ۳ ج، چ اول، قم: دارالبلاغه، ۱۳۸۳ هـ. ش .
۲. حلی، حسن بن یوسف، نهیة الوصول الی علم الأصول؛ ۵ ج، چ اول، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۵ هـ. ق .
۳. حیدری، سید کمال؛ شرح المنطق المظفر؛ تقریر شیخ نجاح نوینی؛ ۵ ج، چ دوم، قم: دار فرقد للطباعة و النشر، ۱۴۳۲ هـ. ق .
۴. خراسانی، علی؛ شرح منطق مظفر؛ ۲ ج، چ هفتم، قم: الامام الحسن ابن علی (علیهما السلام)، ۱۳۸۹ هـ. ش .
۵. خوانساری، محمد؛ منطق صوری؛ ۲ ج، چ چهل و پنجم، تهران: دیدار، ۱۳۹۱ هـ. ق .
۶. رفاعی، عبدالجبار؛ محاضرات فی أصول الفقه شرح الحلقة الثانية؛ ۲ ج، چ اول، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۱ هـ. ق .
۷. سلیمانی امیری، عسگری؛ منطق پیشرفته؛ چ اول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۹ هـ. ق .
۸. سلیمانی امیری، عسگری؛ منطق صدرايي (شرح التنقیح فی المنطق ملاصدرا)؛ ۳ ج، چ اول، قم: انتشارات حکمت اسلامی، بهار ۱۳۹۳ هـ. ق .
۹. شیروانی، علی؛ ترجمه منطق مظفر؛ ۲ ج، چ بیست و دوم، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۲ هـ. ش .
۱۰. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الأصول ( طبع دار الهدی ) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ ق .
۱۱. محمدی خراسانی، علی؛ شرح منطق مظفر؛ ۲ ج، چ هفتم، قم: الامام الحسن ابن علی (علیهما السلام)، ۱۳۸۹ هـ. ش .
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ شرح برهان شفا؛ تحقیق و نگارش محسن غرویان؛ ۲ ج، چ دوم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۹۱ هـ. ش .
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ طریق الوصول الی مهمات علم الأصول (أصول الفقه بأسلوب حدیث و آراء جدیدة)؛ تهیه و تنظیم محمد حسین ساعی فر؛ ۲ ج، چ دوم، قم: دار النشر الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۳۲ هـ. ق .
۱۴. منتظری مقدم، محمود؛ منطق؛ ۲ ج، چ اول، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۸۸ هـ. ش .
۱۵. منصور، ایاد؛ البیان المفید فی شرح الحلقة الثالثة من حلقات علم الأصول؛ ۴ ج، چ اول، قم: حسنین (ع)، ۱۴۲۷ هـ. ق .